آتلانتیک تحلیل کرد؛ از شکست راهبردی واشنگتن در خاورمیانه تا دگرگونی موازنه قدرت و شتاب‌گرفتن جهان پساآمریکایی

ایران چگونه آمریکا را کیش و مات کرد؟

رابرت کیگان، مورخ و مفسر نومحافظه‌کار آمریکا و از چهره‌هایی که دهه‌ها از حامیان جدی مداخلات نظامی واشنگتن بوده، در تحولی معنادار در مقاله‌ای که با عنوان «کیش و مات آمریکا در ایران» نوشته است، اذعان می‌کند جنگ با ایران می‌تواند نشانه‌ای از افول هژمونی آمریکا باشد. اعترافی که به‌زعم بسیاری بازتابی از تغییرات عمیق در نظم جهانی است. او در این مقاله تأکید می‌کند که درگیری کنونی با ایران ممکن است به یکی از مهم‌ترین شکست‌های راهبردی آمریکا در دهه‌های اخیر تبدیل شود؛ شکستی که برخلاف تجربه‌های گذشته نه قابل جبران است و نه قابل چشم‌پوشی. این درگیری می‌تواند به‌طور اساسی موازنه قدرت را هم در خاورمیانه و هم در سطح جهانی تغییر دهد. از یک‌سو، ایران همچنان کنترل تنگه هرمز را در دست دارد و از این طریق می‌تواند بر بازار جهانی انرژی فشار وارد کند؛ از سوی دیگر، آمریکا قادر نیست نتیجه‌ای قاطع، چه نظامی و چه سیاسی، بر این وضعیت تحمیل کند. مجموعه این تحولات نشان می‌دهد که واشنگتن با محدودیت‌های جدی و فزاینده‌ای روبه‌رو شده است. این وضعیت نه‌تنها به تضعیف موقعیت آمریکا و تقویت نقش ایران، چین و روسیه منجر می‌شود، بلکه می‌تواند زمینه‌ساز گذار به «جهانی پساآمریکایی» شود.

ترجمه

رابرت کیگان
عضو ارشد مؤسسه بروکینگز

یادآوری دوره‌ای که ایالات متحده در یک درگیری متحمل شکستی کامل و قاطع شده باشد دشوار است؛ شکستی چنان تعیین‌کننده که پیامدهای راهبردی آن نه قابل جبران باشد و نه قابل چشم‌پوشی. خسارت‌های فاجعه‌باری که آمریکا در ماه‌های نخست جنگ جهانی دوم در پرل هاربر، فیلیپین و سراسر اقیانوس آرام غربی متحمل شد، در نهایت جبران شدند. شکست‌ها در ویتنام و افغانستان پرهزینه بودند، اما به این خاطر که این دو کشور از صحنه اصلی رقابت جهانی دور بودند، آسیبی جدی به جایگاه کلی آمریکا در جهان وارد نکردند. ناکامی اولیه در عراق نیز با تغییر راهبرد تا حدی جبران شد؛ تغییری که در نهایت عراقی نسبتاً باثبات و بی‌تهدید برای همسایگانش بر جای گذاشت.

اما شکست در رویارویی کنونی با ایران ماهیتی کاملاً متفاوت دارد. این شکست نه قابل جبران است و نه می‌توان آن را نادیده گرفت. دیگر بازگشتی به وضعیت پیشین وجود نخواهد داشت و هیچ پیروزی نهایی برای آمریکا در کار نخواهد بود که بتواند خسارت‌های واردشده را خنثی یا جبران کند. تنگه هرمز دیگر مانند گذشته «باز» نخواهد بود. ایران با در اختیار داشتن کنترل این تنگه، به بازیگر اصلی منطقه و یکی از بازیگران اصلی جهان تبدیل می‌شود. نقش چین و روسیه، به‌عنوان متحدان ایران، تقویت خواهد شد و در مقابل، نقش ایالات متحده به‌طور چشمگیری تضعیف می‌شود.

برخلاف ادعاهای مکرر حامیان جنگ درباره نمایش قدرت آمریکا، این درگیری چهره‌ای از ایالات متحده را آشکار کرده که نه‌تنها غیرقابل اعتماد است، بلکه توان به پایان رساندن آنچه آغاز کرده را نیز ندارد. این وضعیت می‌تواند زنجیره‌ای از واکنش‌ها را در سراسر جهان به‌دنبال داشته باشد، زیرا دوستان و دشمنان آمریکا ناگزیر خواهند شد خود را با پیامدهای این شکست تطبیق دهند.

دونالد ترامپ دوست دارد درباره اینکه «برگ‌های برنده» در دست چه کسی است صحبت کند، اما روشن نیست که آیا کارت‌های خوبی برای بازی در اختیار دارد یا خیر. ایالات متحده و رژیم اسرائیل به مدت ۳۹ روز ایران و رهبران آن را هدف قرار دادند؛ اما نتوانستند حکومت را ساقط کنند یا حتی کوچک‌ترین امتیازی از آنها بگیرند. اکنون دولت ترامپ امیدوار است که محاصره بنادر ایران بتواند کاری را انجام دهد که زور نظامی گسترده از انجامش ناتوان بود. حکومتی که با پنج هفته حملات نظامی بی‌وقفه به زانو درنیامد؛ بعید است که در برابر فشار اقتصادی تسلیم شود.

با این حال، برخی از حامیان جنگ خواستار ازسرگیری حملات نظامی شده‌اند، اما نمی‌توانند توضیح دهند که دور دیگری از بمباران چگونه قرار است کاری را انجام دهد که ۳۹ روز بمباران نتوانست انجام دهد؟ هر اقدام نظامی بیشتر، ناگزیر ایران را به تلافی علیه کشورهای همسایه خلیج فارس سوق خواهد داد؛ و مدافعان جنگ برای آن هم پاسخی ندارند. ترامپ حملات علیه ایران را نه از سر خستگی، بلکه به این دلیل متوقف کرد که ایران تأسیسات حیاتی نفت و گاز منطقه هدف قرار گرفتند. نقطه عطف این حملات در ۱۸ مارس اتفاق افتاد؛ زمانی که اسرائیل میدان گازی پارس جنوبی ایران را بمباران کرد و ایران در پاسخ، شهر صنعتی رأس لفان قطر، بزرگ‌ترین مرکز صادرات گاز طبیعی جهان را هدف قرار داد. ترامپ در واکنش، توقف حملات بیشتر به تأسیسات انرژی ایران را اعلام کرد و سپس، با وجود آنکه ایران حتی کوچک‌ترین امتیازی نداده بود، آتش‌بس را اعلام کرد.

محاسبات ریسکی که یک ماه پیش ترامپ را وادار به عقب‌نشینی کرد، همچنان پابرجاست. حتی اگر ترامپ ادعای خود برای نابودی بیشتر ایران از طریق بمباران‌های بیشتر را عملی کند، ایران باز هم قادر خواهد بود تعداد زیادی موشک و پهپاد شلیک کند. این حملات نه تنها می‌تواند زیرساخت‌های نفت و گاز منطقه را برای سال‌ها یا دهه‌ها فلج کند بلکه می‌تواند جهان و از جمله ایالات متحده را وارد یک بحران اقتصادی طولانی‌مدت کند. حتی اگر ترامپ بخواهد بمباران ایران را بخشی از راهبرد خروج خود قرار دهد (یعنی با نمایش ظاهریِ قدرت، عقب‌نشینی‌اش را پنهان کند) نمی‌تواند بدون به خطر انداختن وقوع چنین فاجعه‌ای این کار را انجام دهد.

اگر این وضعیت «کیش و مات» نباشد، دست‌کم بسیار به آن نزدیک است. گزارش‌ها حاکی از آن است که ترامپ در روزهای اخیر از جامعه اطلاعاتی آمریکا خواسته پیامدهای اعلام پیروزی و ترک صحنه را ارزیابی کنند. نمی‌توان او را بابت این کار سرزنش کرد. امید بستن به فروپاشی حکومت، راهبرد چندان محکمی نیست؛ به‌ویژه کشوری که پیش‌تر نیز از موج‌های پیاپی فشار نظامی و اقتصادی جان سالم به در برده است. ترامپ آن‌قدر زمان ندارد که منتظر بماند؛ آن هم در شرایطی که قیمت نفت به سمت ۱۵۰ یا حتی ۲۰۰ دلار برای هر بشکه حرکت می‌کند، تورم افزایش می‌یابد و کمبود جهانی غذا و دیگر کالاهای اساسی آغاز می‌شود. او به یک راه‌حل سریع نیاز دارد.

اما هر راه‌حلی غیر از تسلیم عملیِ آمریکا، خطرات عظیمی دربردارد؛ خطراتی که ترامپ تاکنون حاضر به پذیرش آنها نشده است. کسانی که با ساده‌انگاری از ترامپ می‌خواهند «کار را تمام کند» به‌ندرت به هزینه‌های آن اشاره می‌کنند. مگر آنکه آماده باشد خطر نابودی ناوهای جنگی را در تنگه‌ای مورد مناقشه بپذیرد یا آنکه حاضر باشد خسارت ویرانگر و بلندمدتی را که احتمالاً در نتیجه تلافی ایران به ظرفیت‌های تولیدی منطقه وارد خواهد شد قبول کند. در این صورت، کنار کشیدن در مقطع کنونی شاید کم‌هزینه‌ترین گزینه بد باشد.

از منظر سیاسی نیز، ترامپ احتمالاً احساس می‌کند شانس بیشتری برای دوام آوردن پس از یک شکست دارد تا برای بقا در جنگی بسیار بزرگ‌تر، طولانی‌تر و پرهزینه‌تر که باز هم ممکن است به شکست ختم شود. بنابراین، شکست برای ایالات متحده نه‌تنها ممکن، بلکه محتمل است؛ و این است چهره شکست.

ایران همچنان کنترل تنگه هرمز را در اختیار دارد. این فرض رایج که پس از پایان بحران، تنگه دوباره به وضعیت پیشین باز خواهد گشت، بی‌اساس است. ایران نیز هیچ علاقه‌ای به بازگشت به وضعیت گذشته ندارد. از نگاه این کشور، پرسش اساسی این است که هرگونه توافق با ترامپ تا چه اندازه قابل اعتماد است؟ ایرانی‌ها نمی‌توانند مطمئن باشند که او چند ماه پس از امضای توافق، دوباره تصمیم به حمله نگیرد. همچنین به‌خوبی می‌دانند که اسرائیل نیز ممکن است بار دیگر دست به حمله بزند، زیرا تل‌آویو هر زمان که منافعش را در خطر ببیند، خود را مقید به خویشتنداری نمی‌داند.

بسیاری از تحلیلگران بر این باورند که ایران ممکن است از این بحران با قدرتی بیش از گذشته بیرون بیاید؛ چراکه نه‌تنها ظرفیت بالقوه هسته‌ای خود را حفظ کرده، بلکه به ابزاری مؤثرتر یعنی توانایی بستن تنگه هرمز دست یافته است. وقتی ایرانی‌ها از «بازگشایی» تنگه سخن می‌گویند، همچنان منظورشان این است که آن را تحت کنترل خود نگه دارند. در این وضعیت، ایران نه‌تنها قادر خواهد بود برای عبور کشتی‌ها عوارض مطالبه کند، بلکه می‌تواند عبور و مرور را به کشورهایی محدود کند که با آن روابط مطلوب دارند. اگر کشوری رفتاری داشته باشد که حاکمان ایران آن را نپسندند، می‌توانند صرفاً با کند کردن یا حتی تهدید به کند کردن جریان تردد کشتی‌های آن کشور، آن را مجازات کنند.

قدرت بستن یا کنترل جریان عبور کشتی‌ها از تنگه، از نظر اثرگذاری فوری و عملی از توان نظری حتی از برنامه هسته‌ای ایران نیز بیشتر است.

> شکست در رویارویی کنونی با ایران ماهیتی کاملاً متفاوت دارد. این شکست نه قابل جبران است و نه می‌توان آن را نادیده گرفت. دیگر بازگشتی به وضعیت پیشین وجود نخواهد داشت و هیچ پیروزی نهایی برای آمریکا در کار نخواهد بود که بتواند خسارت‌های واردشده را خنثی یا جبران کند

این اهرم فشار به رهبران تهران امکان می‌دهد کشورها را وادار کنند تحریم‌ها را لغو کرده و روابط خود را عادی کنند، یا در غیر این صورت با پیامدها و مجازات‌ها روبه‌رو شوند. در چنین شرایطی، اسرائیل بیش از هر زمان دیگری در انزوا قرار خواهد گرفت؛ در حالی که ایران ثروتمندتر می‌شود و دوباره تسلیح می‌شود و دانش هسته‌ای خود را حفظ می‌کند. علاوه براین، وضعیت جدید در تنگه همچنین باعث تغییر قابل توجهی در موازنه قدرت و نفوذ، هم در سطح منطقه و هم در سطح جهانی خواهد شد. در منطقه، ایالات متحده به‌عنوان یک «قدرت پوشالی» شناخته خواهد شد و کشورهای خلیج فارس و دیگر دولت‌های عربی را وادار خواهد کرد که خود را با ایران تطبیق دهند.

در همین رابطه روئل گرکت و ری تکیه، پژوهشگران مسائل ایران، نوشته‌اند: «اقتصادهای عربی خلیج فارس تحت چتر هژمونی آمریکا ساخته شدند. اگر این چتر برداشته شود و همراه آن آزادی کشتیرانی نیز از بین برود کشورهای خلیج فارس ناگزیر به سمت ایران خواهند رفت و از این کشور درخواست حمایت خواهند کرد.» آنها تنها کشورهایی نخواهند بود که ناچارند به ایران نزدیک شوند. همه کشورهایی که به انرژی خلیج فارس وابسته‌اند، ناچار خواهند بود ترتیبات خود را با ایران تنظیم کنند. چه انتخاب دیگری خواهند داشت؟ اگر ایالات متحده با آن نیروی دریایی عظیمش نتواند یا نخواهد تنگه را باز کند، هیچ ائتلافی از نیروها با حتی بخشی از توان آمریکا نیز قادر به انجام آن نخواهد بود. ابتکار آنگلو-فرانسوی برای گشت‌زنی در تنگه آن هم پس از آتش‌بس، بیشتر شبیه یک اقدام نمادین است. امانوئل مکرون رئیس‌جمهور فرانسه، گفته است که این «ائتلاف» تنها در شرایط صلح‌آمیز در تنگه فعالیت خواهد کرد. واقعیت این است که با کنترل ایران، این تنگه تا مدت طولانی باز نخواهد شد. چین نیز با اینکه احتمالاً نفوذی بر تهران دارد، اما به تنهایی قادر نیست تنگه را باز کند. یکی از پیامدهای این تحول می‌تواند شکل‌گیری یک رقابت دریایی میان قدرت‌های بزرگ باشد. در گذشته، بیشتر کشورهای جهان، از جمله چین، روی ایالات متحده حساب می‌کردند تا هم از بروز چنین بحران‌هایی جلوگیری کند و هم در صورت وقوع، آنها را مدیریت کند. اما اکنون کشورهای اروپایی و آسیایی که به منابع انرژی خلیج فارس وابسته‌اند، در برابر از دست رفتن این منابع حیاتی عملاً ناتوان به نظر می‌رسند. این کشورها تا چه زمانی می‌توانند چنین وضعیتی را تحمل کنند؟

پیامدهای جهانی شکست آمریکا

برش

شکست آمریکا در خلیج فارس پیامدهای جهانی گسترده‌تری نیز خواهد داشت. در سراسر جهان این تصور شکل می‌گیرد که تنها چند هفته جنگ با یک قدرت منطقه‌ای، ذخایر تسلیحاتی آمریکا را تا سطحی خطرناک کاهش داده است؛ آن هم بدون اینکه راه‌حل سریعی برای جبران آن وجود داشته باشد. پرسش‌هایی که این وضعیت درباره آمادگی آمریکا برای یک درگیری بزرگ دیگر ایجاد می‌کند، ممکن است شی جین پینگ را برای حمله به تایوان یا ولادیمیر پوتین را به تشدید اقدامات در اروپا ترغیب کند. اما دست‌کم متحدان آمریکا در شرق آسیا و اروپا ناگزیر خواهند شد درباره توانایی و پایداری این کشور در مواجهه با بحران‌های آینده تردید کنند. سازگاری جهانی با یک «جهان پساآمریکایی» نیز در حال شتاب گرفتن است. موقعیت پیشین و مسلط آمریکا در خلیج فارس، تنها نخستین مورد از مجموعه‌ای از این عقب‌نشینی‌ها خواهد بود.

A History of the Modern Middle East

تاریخ خاورمیانه مدرن (۶۲)

ویلیام کلیولند
ترجمه: عسگر قهرمانپور

جریان‌های نوظهور تمایز فرهنگی عربی

اگر امروز، پس از گذشت بیش از یک قرن، پیشنهادهای عبده کمی محافظه‌کارانه و محدود به نظر می‌رسند، باید در نظر داشت که در زمان خود، این پیشنهادها بشدت جسورانه بودند. عبده شخصیتی هم محافظه‌کار و هم اصلاح‌طلب بود. او می‌توانست اصلاحات اداری محمدعلی پاشا را بپذیرد و از گسترش برنامه‌های درسی مؤسسات آموزشی اسلامی حمایت کند، زیرا برای او تغییر به خودی خود ترسناک نبود. اما، عبده نگران بود که برخی مسلمانان و حتی اروپایی‌ها تغییر را تنها در خارج از چهارچوب اسلام ممکن بدانند. بنابراین او تلاش کرد نشان دهد که تغییر و نوآوری مثبت، نه تنها مختص غرب مسیحی است، بلکه در چهارچوب درست اسلام نیز مجاز و حتی تشویق‌شده است. به این ترتیب، عبده توانست هم جامعه اسلامی را از پذیرش بی‌رویه ایده‌ها و شیوه‌های نو محدود کند و هم آن را به پذیرش اصلاحات و نوآوری‌های سازگار با دین تشویق نماید. از نظر عبده، هر تغییر یا نوآوری باید با معیارهای قرآن و حدیث سنجیده شود. تنها در صورتی که از این منظر قابل قبول باشد، می‌توانست با عقل انسانی آگاهانه به کار گرفته شود. شاگردان عبده، اما، تفکرات او را در دو جهت افراطی پیش بردند: برخی او را بنیان‌گذار یک مکتب سخت‌گیرانه در تفسیر دین می‌دانستند و برخی دیگر، او را حامی آزادی بی‌قید و شرط عقل انسانی به شمار می‌آوردند. این تفاوت برداشت‌ها نشان می‌دهد که تعادل میان محافظه‌کاری دینی و اصلاح‌طلبی عقلانی در اندیشه عبده، هم در زمان او و هم در نسل‌های بعد، موضوعی حساس و بحث‌برانگیز بوده است.

در قلمروهای عثمانی، تأکید عبدالحمید بر مقام خود به‌عنوان خلیفه، گواه اهمیت اسلام به‌عنوان پیوندی بنیادی میان عرب‌ها و دولت عثمانی بود. مردم مناطق بالکان به‌سرعت هویت ملی خود را بازشناختند، چرا که تفاوت‌های مذهبی نیز آنها را متمایز می‌کرد. اما برای مسلمانان عرب، پیوندهای اُمّه در اولویت قرار داشت و دولت عثمانی نمود عینی این پیوندها بود. تا زمانی که وفاداری به امپراطوری هم‌راستا با وفاداری به ارزش‌های برتر اسلام به نظر می‌رسید، اکثریت مسلمانان عرب مشروعیت حکومت عثمانی را پذیرفته بودند. با این حال، هنگامی که اصلاح‌طلب سوری، عبد الرحمن کواکبی، استدلال کرد که عثمانی‌ها مسئول انحطاط اسلام‌اند، او با طرحی ملی‌گرایانه، افق تازه‌ای پیش روی نظم عثمانی-اسلامی در سرزمین‌های عربی گشود. الکواکبی (۱۸۵۴-۱۹۰۲) از خانواده‌ای برجسته در حلب برخاست. فعالیتش در روزنامه‌نگاری و مدیریت شهری، او را پیوسته در تعارض با سانسورهای عبدالحمید قرار می‌داد و سرانجام در سال ۱۸۹۹ به مصر مهاجرت کرد، جایی که در محافل فکری قاهره جایگاهی برجسته یافت. در دو اثر شاخص خود، «طبائع الاستبداد» (ماهیت استبداد) و «أم القری» (مادر شهرها: مکه)، او علل انحطاط اسلام را واکاوی کرده و پیشنهاداتی برای احیای آن ارائه نمود. هر دو کتاب، نقدی ژرف بر حکومت استبدادی عبدالحمید به شمار می‌روند.

آگهی مزایده عمومی
نوبت اول
فروش ۱۰۰ تن محصول اوره نامنطبق (OFF3)
شرکت کود شیمیایی اوره لردگان (سهامی عام) در نظر دارد محصول اوره نامنطبق (OFF3) خود در حدود ۱۰۰ تن را از طریق مزایده عمومی به فروش رساند لذا متقاضیان شرکت در مزایده جهت دریافت اسناد مزایده مطابق شرایط ذیل اقدام نمایند.
• مبلغ تضمین شرکت در مزایده برابر ۱,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰ریال به صورت ضمانتنامه بانکی یا چک تضمین شده بانکی می باشد.
• متقاضیان جهت دریافت اسناد مزایده از روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۲/۲۷ با مراجعه به وب سایت شرکت به آدرس: WWW.LUFC.IR بخش مزایده و یا از طریق مراجعه حضوری به آدرس تهران- شهرک غرب- بلوار فرحزادی-خیابان نخلستان-کوچه گلستان یکم- پلاک ۴۸-طبقه ۴ با معرفی نامه کتبی اقدام نمایند.
• محل تحویل محصول مورد مزایده: بوشهر- انبار بندر خدماتی پارس عسلویه
• سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه در اسناد مزایده قید شده است.
روابط عمومی شرکت کود شیمیایی اوره لردگان

آگهی مزایده عمومی
نوبت اول
فروش ۲۲۰۰ تن محصول اوره نامنطبق (OFF1)
شرکت کود شیمیایی اوره لردگان (سهامی عام) در نظر دارد محصول اوره نامنطبق (OFF1) خود در حدود ۲۲۰۰ تن را از طریق مزایده عمومی به فروش رساند لذا متقاضیان شرکت در مزایده جهت دریافت اسناد مزایده مطابق شرایط ذیل اقدام نمایند.
• مبلغ تضمین شرکت در مزایده برابر ۷۵,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ریال به صورت ضمانتنامه بانکی یا چک تضمین شده بانکی می باشد.
• متقاضیان جهت دریافت اسناد مزایده از روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۲/۲۷ با مراجعه به وب سایت شرکت به آدرس: WWW.LUFC.IR بخش مزایده و یا از طریق مراجعه حضوری به آدرس تهران- شهرک غرب- بلوار فرحزادی-خیابان نخلستان-کوچه گلستان یکم- پلاک ۴۸-طبقه ۴ با معرفی نامه کتبی اقدام نمایند.
• محل تحویل محصول مورد مزایده: انبار مجتمع کود شیمیایی اوره لردگان
• سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه در اسناد مزایده قید شده است.
روابط عمومی شرکت کود شیمیایی اوره لردگان

آگهی مزایده عمومی
نوبت اول
فروش ۱۰۰۰ تن پودر کلوخه اوره ضایعاتی
شرکت کود شیمیایی اوره لردگان (سهامی عام) در نظر دارد محصول پودر کلوخه اوره ضایعاتی خود در حدود ۱۰۰۰ تن را از طریق مزایده عمومی به فروش رساند لذا متقاضیان شرکت در مزایده جهت دریافت اسناد مزایده مطابق شرایط ذیل اقدام نمایند.
• مبلغ تضمین شرکت در مزایده برابر ۱۵,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ریال به صورت ضمانتنامه بانکی یا چک تضمین شده بانکی می باشد.
• متقاضیان جهت دریافت اسناد مزایده از روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۲/۲۷ با مراجعه به وب سایت شرکت به آدرس: WWW.LUFC.IR بخش مزایده و یا از طریق مراجعه حضوری به آدرس تهران- شهرک غرب- بلوار فرحزادی-خیابان نخلستان-کوچه گلستان یکم- پلاک ۴۸-طبقه ۴ با معرفی نامه کتبی اقدام نمایند.
• محل تحویل محصول مورد مزایده: انبار مجتمع کود شیمیایی اوره لردگان
• سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه در اسناد مزایده قید شده است.
روابط عمومی شرکت کود شیمیایی اوره لردگان

آگهی مناقصه عمومی یک مرحله‌ای هم‌زمان با ارزیابی (یکپارچه)
نوبت اول
بیمه ایران
شرکت سهامی بیمه ایران در نظر دارد نسبت به انتخاب پیمانکار امور حفاظتی و مراقبتی وتأمین انتظامات و نگهبان از طریق مناقصه عمومی یک مرحله‌ای اقدام نماید.
از شرکت‌های تأمین‌کننده که دارای شرایط لازم می‌باشند دعوت می‌شود حداکثر تا ساعت ۱۲:۰۰مورخ ۱۴۰۵/۰۲/۳۰ جهت دریافت فایل الکترونیکی شرایط شرکت در مناقصه به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد ایران) مراجعه و پس از تکمیل مدارک و اسناد درخواستی و بارگذاری در سامانه تدارکات الکترونیک، نسبت به تحویل پاکت‌های پیشنهاد خود حداکثر تا ساعت ۱۲:۰۰ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۳/۱۳ به دبیرخانه کمیسیون معاملات این شرکت واقع در خیابان ملاصدرا،شیرازجنوبی،برزیل غربی شماره ۵۱ ساختمان شرکت سهامی بیمه ایران طبقه ششم اقدام و رسید اخذ نمایند.
شماره مناقصه ثبت شده در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت: ۲۰۰۵۰۰۱۰۳۸۰۰۰۰۰۵
دبیرخانه کمیسیون معاملات

ایران
با رسانه‌های متنوع مؤسسه ایران دیده خواهید شد
خط ویژه پذیرش آگهی ۱۸۷۷